

«برکت بخشی» و نقش آن در برساخت هویت یهودی در اسفار عهدعتیق^۱

سپیده و حیدنیا

دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد

علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ارسطو میرانی^۲

استادیار، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی،

گرگان، ایران

یحیی صباغچی

استادیار دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران

چکیده

یکی از کارکردهای اجتماعی مهم دین هویت‌سازی است. ادیان برای پیروان خود، ویژگی‌های خاصی تعیین کرده‌اند که با ایجاد مشابهت و تمایز با غیر، بین آن‌ها همبستگی ایجاد کرده و آن‌ها را از دیگران متمایز می‌کند. بدین ترتیب با ایجاد مرز بین خودی‌ها و دیگران هویت پیروان خویش را تعریف می‌کنند. در ادیان تاریخی این فرایند هویت‌سازی در بستر تاریخ تداوم می‌یابد. هویت یهودی نیز به عنوان یک هویت قومی-دینی، در طول تاریخ شکل گرفته و هم‌چنان تا عصر حاضر دچار ابهامات و مناقشات است. شرح تولد و شکل‌گیری قوم یهود در اسفار که اساس عهدعتیق است آمده است. در این متن مولفه‌ها و فرایندهای متعددی می‌توان یافت که در برساخت هویت یهودی نقش دارند از جمله عهد، مشایخ، برگزیدگی، قومیت، شریعت. «برکت بخشی» نیز یکی از این مولفه‌هاست. در این مقاله با رویکردی بینارشته‌ای، عملکرد برکت بخشی به عنوان فرایندی هویت‌ساز در متن

^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

^۲ پست الکترونیک (نویسنده مسؤول): arastoomirani@gmail.com

اسفار تبیین و تحلیل می‌گردد. نشان داده می‌شود که برکت‌بخشی با تعریف مرزهای قومی، مفاهیم و نهادهای دینی ارتباط داشته و در تعریف هویت یهودی نقش دارد.

کلیدواژه‌ها

هویت، یهودیت، برکت، اسفار، آباء

مقدمه

پرسش از کیستی و این‌که ما و دیگران، که هستیم، از بدیهی‌ترین امور است. بنابراین هویت^۱ از مقولاتی است که از دیرباز ذهن بشر را مشغول داشته است. تعاریف متعددی از هویت ارائه شده است. به طور کلی منظور از هویت (گروهی)، مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی است؛ که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه (به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر) دلالت کند و آنان را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به طور مشخص قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متمایز سازد.^۲ ریچارد جنکینز^۳ نظریه‌پرداز روان‌شناسی اجتماعی، هویت را مفهومی شامل ارزش‌ها، اعتقادات، هنجارها، نمادها، طرز تلقی‌ها و آگاهی‌های مختص به یک «خود»^۴ فردی یا اجتماعی، و احساس تعلق و تعهد نسبت به آن خود می‌داند. هویت مفهومی دوسویه است: از یک سو، بیانگر تشابه اعضا با یکدیگر و از سوی دیگر، بیانگر تمایز با دیگران است؛ که به مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. بنابراین، مفهوم اصطلاحی هویت، میان اشیاء و افراد، دو نسبت محتمل را برقرار می‌سازد که از دو سو به شباهت راه می‌برد: شباهت با هم؛ و تفاوت با غیر.^۵

چنان‌که می‌دانیم هویت یهودی هویتی جمعی و گروهی است. در تعریف هویت و مرزهای یهودی بودن، امروزه نیز اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. مثلاً یهودیت ارتدکس کسانی را یهودی می‌داند که مادر یهودی داشته یا قانون هلاخا را رعایت کنند. در قلمرو سنتی،

^۱ identity

^۲ الطائی، علی، بحران هویت قومی در ایران، تهران، شایگان، ۱۳۸۲، ص ۱۳۹.

^۳ Richard Jenkins

^۴ Self

^۵ جنکینز، ریچارد، هویت اجتماعی، تورج یارمحمدی، تهران، شیرازه، ۱۳۸۱، ص ۱۳۰.

یهودی کسی است که در آیین‌ها شرکت می‌کند و به اصول سنت یهودی اعتقاد دارد. اما یهودیت اصلاح‌شده، دیدگاه متفاوتی داشته و آن را منوط به داشتن پدر یا مادر یهودی می‌داند.^۱ موضوع مورد توجه این مقاله این است که «برکت‌بخشی»^۲ به عنوان یکی از جنبه‌های رابطه خدا و بنی اسرائیل، چگونه در کنار عوامل دیگری چون عهد، شریعت و آیین‌ها در برساخت هویت یهودی تاثیرگذار بوده است؟ نقش برکت یافتن بنی اسرائیل، در افزایش مشابهت و پیوند آن‌ها با هم و تمایزشان از سایرین چه بوده است؟ با گسترش مطالعات بینارشته‌ای هویت یهودی از ابعاد مختلفی مورد مطالعه قرار گرفته است. برای بررسی ارتباط برکت‌بخشی و هویت یهودی، پس از بیان معنی و مفهوم برکت در عهدعتیق، با رویکردی بینارشته‌ای و از منظر دانش زمینه‌ای روانشناسی اجتماعی به تبیین نقش و کارکرد «برکت‌بخشی» در سیر تاریخی شکل‌گیری هویت اسرائیلیان در اسفار می‌پردازیم.

برای پی‌جویی سازوکار شکل‌گیری هویت یهودی، اسفار^۳ یا تورات^۴ که به باور یهودیان تاریخ شکل‌گیری قوم یهود است اصلی‌ترین منبع است. اسفار را می‌توان روایت شکل‌گیری قوم یهود به عنوان یک گروه مشخص دارای ویژگی‌های مشترک هم‌بسته‌کننده و متمایز از سایرین دانست. عنوان عام قوم برگزیده^۵ که متضمن اندیشه‌ی وجود رابطه‌ی ویژه بین قوم و خداست محور اصلی پیوند یهودیان با هم؛ و ایجاد مرز و تمایز آن‌ها با دیگران است. این باور محوری سراسر تاریخ تفکر یهود، ریشه‌ای عمیق در عهدعتیق دارد.^۶ تورات (اسفار)، مشتمل بر پنج سفر، مهم‌ترین قسمت عهدعتیق است که طبق باور یهودیان، در دوره سرگردانی بیابان توسط مُشه‌ربنو (موسی‌ع) بر قوم ابلاغ شده است. تمام دستوراتی که یک یهودی موظف به اجرای آن‌هاست (۶۱۳ فرمان)، از اسفار نشأت می‌گیرد.^۷

^۱ Karesh, Sara E., Hurvitz, Mitchell M., "Jewish Identity", *Encyclopedia of Judaism*, J. Gordon Melton (ed.), New York, Facts on File, 2006, pp.251-252, p.251, 252.

^۲ Blessing

^۳ Pentateuch

^۴ Torah (תּוֹרָה)

^۵ Chosen People

^۶ گندمی، رضا، "اندیشه قوم برگزیده در یهودیت"، هفت آسمان، ۱۳۸۴، سال ۷، شماره ۲۶، ص ۶۳-۱۰۲، ص ۶۴.

^۷ کتاب مقدس یهود، تَنخ، سایت انجمن کلیمیان تهران

تورات برای یهودیان و مسیحیان، تاریخ مقدسی است که پرده از انکشاف خدا^۱ بر انسان برمی‌دارد. این کتاب نه تنها گزارش کارهای خدا در گذشته است بلکه مطابق باور آنها، نقشی خدا برای آینده بشر را نیز ارائه می‌کند.^۲ اسفار، روایت سیر تولد قوم یهود در بستر تاریخ و تحت کنش عوامل و فرایندهایی چون انکشاف، عهد، شریعت... است. این کتاب، برای جریان‌های مختلف یهودیت، به منزله بنیان الهی هویت یهودی است. تورات به فرد یهودی امکان می‌دهد که ویژگی خود را به عنوان عضوی از قومی برگزیده که از جانب خدا فراخوانده شده تا با زندگی و اعمالش بر دعوت او از همه بشریت گواهی باشد درک کند.^۳ برای یهودیان رجوع به گذشته‌ی خاندان‌ها و شخصیت‌های تنخ نقطه عزیمت است. برای بسیاری از آنها هویت یهودی، به معنی تعلق داشتن به یک قوم است و دین در درجه دوم قرار دارد. مثلاً داستان خروج برای یهودیان مذهبی توأمان یک روایت مذهبی و ملی است و برای یهودیان غیرمذهبی بخشی از میراث ملی - یهودی. حتی امروزه، یهودی بودن با قومیت و تبار یهودی داشتن مرتبط است. بنیاد مردم یهود، بر اساس نژاد و تاریخ مشترک، آیین‌ها، اعتقادات و وابستگی به سرزمین اسرائیل است. مبنای آن به عهد^۴ خدا با ابراهیم(ع) و فرزندانش بازمی‌گردد که از طریق موسی(ع) با همه قوم منعقد گردید. از این زمان، بنی اسرائیل با هویت یهودی دارای نژاد و سرنوشت مشترک شناخته شد.^۵

«برکت‌بخشی» یکی از مفاهیم و اعمال متعارف دینی ادیان مختلف هندو، بودایی، یهودیت، مسیحیت و اسلام است. این عمل در مناسک مختلف تبرک یا تقدس‌بخشی؛ به نشانه صلح، میمنت، آرزوی خوش یا خجسته‌گی و تبرک اشیاء و نمادها دیده می‌شود. برکت از ریشه عبری (b-r-k) (בְּרַכָּה)^۶ به معنای "خم کردن زانو" چونان خم کردن زانو هنگام عبادت

<http://www.iranjewish.com/home.asp>.

^۱. revelation

^۲. شولتز، ساموئل، عهدعتیق سخن می‌گوید، مهرداد فاتحی، ص ۱۰.

^۳. شریعت یا تورات بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، پیروز سیار، تهران، هرمس، ۱۳۹۴، ص ۱۰۱.

^۴. covenant

^۵. Karesh, Sara E., Hurvitz, Mitchell M., "Peoplehood", *Encyclopedia of Judaism*, J. Gordon Melton(ed.), New York, Facts on File, 2006, pp.384-385, p.384, 385.

^۶. (برک) (bərak) (בְּרַכָּה).

گرفته شده و معنی ستایش و پرستش دارد. برکت و متضادش، لعن و نفرین^۱، بر این باور بنیاد دارند که فردی یا قومی می‌تواند از رابطه خود با خدا یا جهان ماوراءالطبیعه به نفع یا زیان دیگران استفاده کند. به طور طبیعی این انتظار هست که برکت‌بخشی به دیگران باعث زیادت دهش مواهب الهی به نفع آن‌ها و نزول سعادت می‌شود.^۲ جمع‌بندی کاربردهای برکت در سنت یهودی از این قرار است:

- موهبت، منفعت یا لطف خاص الهی که موجب سعادت می‌شود.
- دریافت حمایت و محافظت و تایید
- تقویت یک عمل یا رفتار
- خوشبختی، طالع خوب، آرزوی خیر
- ستایش، تحسین و شکر
- متبرک کردن کسی یا چیزی
- برکت و دعاهایی که برای مقدس شدن اعمال روزمره در آیین‌های خانگی و عمومی وجود دارد مثل نیایش^۳ براخا^۳ جهت برکت و شکرگزاری؛ دعای خوردن غذا، استعمال عطر یا اجرای فرامین هلاخایی^۴ مثل روشن کردن شمع چانوکا در شبت. این نیایش‌ها معمولاً چنین شروع می‌شوند:

(baruch atta adonia elohenu melech ha'olam baruch)

«برکت بر تو پروردگارا! خدای ما! پادشاه جهان!»

- برخی ریشه (brakha) را از فعل سامی (brk) به معنای قدرت می‌دانند.^۵

^۱. cursing

^۲. Rotenberry, Paul, "Blessing in the Old Testament: A Study of Genesis 23:3", *Restoration Quarterly (Studies in Christian Scholarship)*, vol.2, 1958, pp.32-36, p.35; Jr., Morris Jastrow, Nowack, Wilhelm, "Blessing and Cursing", *Jewish Encyclopedia*, vol.3, pp.243-244, p.243, <https://jewishencyclopedia.com>.

^۳. berakhah-bracha

^۴. mitzvah

^۵. Karesh, Sara E., Hurvitz, Mitchell M., "Bracha", *Encyclopedia of Judaism*, J. Gordon Melton(ed.), New York, Facts on File, 2006, pp.65; Assavavirulhakarn, Prapod, "Blessing", *Encyclopedia of religion*, London, Thomson Gale, 2005, vol.2, pp.979-985, p.982; "Blessing", *The Free Dictionary*, thefreedictionary.com/blessing.

گاه برکت از جانب انسان به خدا داده می‌شد که معنی ستایش توأم با تحسین و تقدیس دارد.^۱ بنابراین «برکت‌بخشی» طیفی از معانی با محوریت اعطای موهبتی سعادت‌آفرین و فزونی‌بخش از جانب خدا، همراه با حضور الهی را در برمی‌گیرد. باور کهن اثرگذاری برکت و نفرین، نزد مردمان عصر کتاب مقدس، چنان معمول و مستحکم بوده که هر اتحاد و سوگندی با نفرین علیه ناقض آن همراه می‌شد. قوانین اسرائیل و معاهدات آشوریان و بابلیان اعتبار و قدرت خاصی از افزوده شدن برکت و نفرین پیدا می‌کرد.^۲

برخی از داستان‌های اسفار گواه است که چنین باورهایی مختص بنی‌اسرائیل نبوده است، برای نمونه برکت‌بخشی ملیک‌صدیق پادشاه شلیم به ابراهیم (ع)، یا ماجرای یاری گرفتن پادشاه موآب از بلعام برای نفرین قوم که منجر به برکت‌بخشی به آنان شد.^۳ غیربنی‌اسرائیلیان، برکت را قدرتی ماورایی و جادویی می‌دانستند اما عهدعتیق برکت را قدرت جادویی قابل انتقالی نمی‌داند. بنی‌اسرائیل قدرت اشباع‌کننده روح، قدرت حیاتی‌ای که بدون آن موجود زنده‌ای نمی‌تواند وجود داشته باشد را *brakhah* یا برکت می‌نامیدند. بنابراین برکت نزد ایشان نیروی حیات و قدرت درون روح بوده است.^۴ اما با توسعه تدریجی توحید ناب، این مفهوم نزد ایشان اصلاح شده و از یک قدرت جادویی تبدیل به قدرت و لطفی الهی گشت.^۵ برکت توسط خدا یا اشخاصی اعطا می‌شد، اما رویکرد توحیدی کتاب مقدس بر این اصل که خدا تنها منبع آن است تاکید دارد. اشکال کلمه *Berakhah* حدود ۴۰۰ بار در کتاب مقدس عبری آمده است. این مفهوم از یهودیت به مسیحیت منتقل شد و مسیحیان آن را از یهودیت به ارث بردند. در ادیان ابراهیمی که

^۱. M. Pike, Dana, "‘I Will Bless The Lord at All Times’: Blessing God in the Old Testament", *Ascending the Mountain of the Lord: Temple Praise, and Worship in the Old Testament*, Seely, Chadwick, Grey, Salt Lake City, Sperry Symposium, 2013, pp.136-155, p.150.

^۲. Jr., Nowack, "Blessing and Cursing", p.243.

^۳. (پیدایش/۱۷/۱۴-۲۰)، (اعداد/۲۲-۲۴).

^۴. Mowvley, H., "The Concept and Content ‘Blessing’ in the Old Testament", *The Bible Translator*, 1965, No.2, Vol.16, pp.74-80, p.75.

^۵. Jr., Nowack, "Blessing and Cursing", p.243.

توحیدی هستند، خدا منشأ همه‌ی برکات شناخته می‌شود و برکت رابطه‌ی خیرخواهانه میان خدا و انسان را نشان می‌دهد.^۱

در ذهنیت عبری، برکت‌بخشی همیشه با تلفظ "عبارت برکت" توسط برکت‌دهنده همراه است. عبارتی که بعد از تلفظ، فعلیت یافته و نتیجه و اثر دلخواه را طی زمان حاصل می‌کند.^۲ برکت، فراتر از آرزو و دعاست، لطفی است که با گفتن عبارت و گاه همراه آدابی مانند دست گذاشتن بر فرد؛ آغاز می‌شود و هدف آن تحقق سعادت و موهبتی برای اوست. برکت عملی عامدانه و آگاهانه است که مزایای انضمامی و خاصی را منتقل می‌کند. آثار برجسته‌ی برکت‌بخشی در عهدعتیق عبارتند از: باروری، بقا و ازدیاد نسل، سعادت، پیروزی، موفقیت، رفاه، ثروت، فراوانی محصولات، حضور خدا یا روح او.^۳ از آن روی که در برکت لطف، خواست و اقدام ویژه الهی وجود دارد، نوعی تقدس نیز ملحوظ است. برکت امید را پرورش داده و ترس را رفع می‌کند. در زمان صلح و آرامش همراه و تضمین مطمئن و در دوره‌ی بحران دل‌داری و امید به بارمی‌آورد. برکت‌بخشی میان خدا یا موجودات عالی با باورمندان پیوند ایجاد کرده و محتوای مواهب آن؛ امیدها، نیازها و ترس‌های بشر را آشکار می‌کند. آن تنها در کلمات محدود نمی‌شود بلکه شامل عناصر مختلف معنایی، اجتماعی، روان‌شناختی و غیره است و بنابراین برکت‌بخشی را باید یک فرایند کامل برای ایجاد مواهب مفید دانست.^۴ اینک به سیر تاریخی برکت‌بخشی در اسفار توجه می‌کنیم.

سفر پیدایش^۵

سفر پیدایش که به مثابه شناسنامه عهدعتیق است درباره آفرینش و مشایخ^۶ سخن گفته است. پیغام آن غنی و پیچیده؛ و حاوی عناصر اصلی و فهرست مختصری از پیام‌های کتاب

^۱. Assavavirulhakarn, "Blessing", p.982, 984.

^۲. Rotenberry, "Blessing in the Old Testament: A Study of Genesis 23:3", p. 35.

^۳. Mowvley, "The Concept and Content 'Blessing' in the Old Testament", p.75, 79.

^۴. Assavavirulhakarn, "Blessing", p.979.

^۵. (برشیت) (בראשית).

^۶. Patriarchs - Avote (عبری)

مقدس است.^۱ بخش آغازین این سفر، به آفرینش و چگونگی ایجاد عالم نظام‌یافته از آشوب و بی‌نظمی اولیه‌ی بعد از عدم اختصاص دارد. طی هفت روز با عمل آفرینش خدا^۲، جهانی سلسله‌مراتبی شکل می‌گیرد که در نظر خالق آن "نیکوست"^۳. عمل آفرینش مهم‌ترین فرایند در اتفاق خلقت است که به موازات آن دو فرایند جانبی نیز در شکل‌دهی و خلق جهان هستی کارکرد دارند: برکت‌بخشی و تقدیس.

مطابق متن، عمل آفرینش مقطعی است و تنها در شش روز آغازین اتفاق می‌افتد. با فرارسیدن روز هفتم^۴، آفرینش پایان می‌یابد اما "برکت‌بخشی" و "تقدیس"، دو فرایندی که به موازات آفرینش، از بدایت خلقت آغاز می‌شوند، در متن تداوم می‌یابند و در هویت‌سازی و برساخت سپهر دینی و فرهنگی یهودی تاثیرگذار هستند. برکت‌بخشی‌ها در مرحله آفرینش شامل این موارد است:

- برکت حیوانات در روز چهارم.
- برکت انسان در روز ششم.
- برکت روز هفتم و تقدیس آن (تقدیس، اختصاص دادن و جدا کردن چیزی برای ستایش یا خدمت خداست. این روز در سفر خروج شَبْت نامیده می‌شود).^۵

محتوای مشترک برکت حیوانات و انسان، باروری و پرشماری است. با تحقق این برکت، نسل حیوانات و انسان تداوم یافته و زیاد می‌شود. در واقع با این برکت، استعداد و توانایی باروری آن‌ها فعلیت می‌یابد و شرایط پرشماری‌شان مهیا می‌گردد، به گونه‌ای که در جهت فزونی به صورت امری طبیعی حرکت می‌کنند. گویی در سرنوشت‌شان این مطلب واقع می‌شود. اما برکت انسان متضمن نعمت افزون‌تری است. انسان که به صورت و شبیه خدا خلق شده^۶ نعمت مهم چیرگی را نیز از طریق برکت دریافت می‌کند. «خدا ایشان را برکت

^۱. دایرة المعارف کتاب مقدس، بهرام محمدیان و دیگران، تهران، سرخدار، ۱۳۸۱، ص ۱۳۲.

^۲. creation

^۳. (پیدایش/۳۱/۱).

^۴. (پیدایش/۱/۴-۴).

^۵. (پیدایش/۲۲/۱ و ۲۸)، (پیدایش/۳/۲).

^۶. (پیدایش/۲۶/۱ و ۲۷).

داد و گفت: «بارور و پرشمار گردید و زمین را آکنده و فرمانبردار سازید؛ بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و جمله حیواناتی که بر زمین می‌خزند چیرگی یابید».^۱

پس از آفرینش، رابطه انسان و خدا با گناه اولیه دچار تحول بزرگی شد. این غم‌انگیزترین رویداد الهیات یهودی و مسیحی، سبب سقوط و دوری همیشگی انسان از بهشت و نفرین زمین به سبب گناه انسان گردید.^۲ در این دوره انسان تحت تاثیر نفرین هبوط (متضاد با برکت) است و متن سخنی درباره برکت ندارد.

با نوح(ع) بارقه امید به خلاصی بشر از نفرین درخشیدن گرفت. خدا که به سبب فساد تصمیم بر محو آدمیان داشت، با نوح عهد بست. این عهد یک سویه، سرآغاز میثاق‌های بعدی است. در این معاهده خبر وقوع طوفان، فرمان ساخت کشتی و وعده‌ی نجات خاندان نوح وجود دارد. پس از طوفان، خدا نجات‌یافته‌گان را برکت داد.^۳ برکت نوح شامل باروری و آکنده کردن زمین، وحشت و تسلیم حیوانات مقابل انسان، خوردن گوشت و گیاه؛ قانون نخوردن خون گوشت؛ و ممنوعیت و عقاب برای قتل نفس است. سپس خدا با نوح و تمام آن‌چه در کشتی بود عهد بست که دیگر با طوفان همه چیز را نابود نکند.^۴ بنابراین به واسطه‌ی عهد خدا بود که برکت جایگزین نفرین هبوط شد و در کنار محو گنهکاران و وضع قوانین جدید جهانی نو بناگردید.

تورات، تمام بشر را از سه پسر نجات‌یافته نوح سام، حام و یافث منشعب می‌داند. نوح در پی ماجرای سام و یافث را برکت داده و کنعان فرزند حام را نفرین کرد.^۵ به واسطه‌ی این برکت، دو پسر وی مشمول حمایت الهی شده و دیگری موقعیتی دست‌پایین و دورتر می‌یابد. بازتاب این اتفاق در نسل این افراد نیز امتداد خواهد داشت.

می‌توان گفت برکت‌ها و نفرین‌های آباء، کلام‌های موثری هستند که به رئیس ذریه خطاب می‌شود و در اعقابش تحقق می‌یابد. چنان‌که با نفرین و برکت نوح، سلاله‌ی کنعان مطیع سام خواهد گشت که نیای ابراهیم و بنی‌اسرائیل مشمول حمایت خاص یهوه است؛ و

^۱. (پیدایش/۲۸/۱).

^۲. شریعت یا تورات بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، ص ۱۳۵؛ (پیدایش/۱۷/۳ و ۱۵).

^۳. (پیدایش/۲۹/۵)، (پیدایش/۹/۶ و ۱۸)، (پیدایش/۱۷/۷-۲۱).

^۴. (پیدایش/۹).

^۵. (پیدایش/۱۸/۹ و ۲۷-۲۵).

فرمانبردار یافت می‌شود که اعقاب او از قبل سام گسترش خواهند یافت. موقعیتی که با سلطنت شائول و ابتدای سلطنت داود که در آن بنی اسرائیل و فلسطینیان بر کنعان چیرگی داشتند و فلسطینیان بخشی از قلمرو اسرائیل را تصرف کرده بودند قابل تطبیق است.^۱ از آنجا که این برکت عملاً باعث ایجاد شباهت و تمایز میان پسران نوح می‌شود باید آن را فرایندی هویت‌ساز دانست. به نظر می‌رسد که عناصر اصلی ایجاد شباهت و تمایز در این برکت، برخورداری از حمایت و نزدیکی الهی و یافتن موقعیت برتر است.

اساس اسفار، وجود رابطه‌ای ویژه میان خدا و آباء اولیه یهود است. تصور دین به عنوان عهدی که خدا با انسان منعقد کرده، مشخصاً یهودی است. ایده‌ی عهد با خدا را باید با شروع هویت قوم خدا، هم‌زمان دانست. **عهد، توافق‌نامه‌ای بین دو طرف قرارداد است که در اصل با خون بسته می‌شده است.** در عصر کتاب مقدس رابطه‌ی انسان با خدا به صورت پیمانی که خدا با مردان یا ملت‌هایی خاص منعقد می‌کرد تصور می‌شد که تمامی قوانین از آن تقدس و دوام می‌یافت. همراهی سه‌گانه‌ی عهد، وعده و برکت در سیر تاریخ ابتدای یهودیت بسیار قابل توجه است. در عهدهایی که یهودیت بر آن‌ها استوار است خدا قول و وعده‌هایی مثل دادن سرزمین، بقا و ازدیاد نسل به فرزندان ابراهیم داده و متقابلاً آن‌ها متعهد می‌شوند که موحد بوده و تنها به او خدمت کنند. بر اساس این جهان‌بینی وقتی یهودیان از دستورات اطاعت می‌کنند برکت یافته و می‌توانند در سرزمین موعود^۲ ساکن شوند و زمانی که از دستورات سرپیچی و نافرمانی می‌کنند مجازات شده یا تبعید می‌شوند و برکت نخواهند داشت. این مطابق وعده‌ی عهد است.^۳

مشایخ؛ ابراهیم، اسحاق و یعقوب؛ در سنت یهودی، نیاکان جسمانی و روحانی یهودیان هستند.^۴ با ابراهیم(ع) است که موجودیت و هویت «قوم برگزیده» آغاز می‌شود. حرکت

^۱. شریعت یا تورات بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، ص ۱۵۷.

^۲. Eretz Yisrael

^۳. Kohler, Kaufmann and other, "Covenant", *Jewish encyclopedia*, vol.4, pp.318-322, p.318-322, <https://jewishencyclopedia.com>.

^۴. Karesh, Sara E., Hurvitz, Mitchell M., "Patriarchs", *Encyclopedia of Judaism*, J. Gordon Melton(ed.), New York, Facts on File, 2006, pp.381-382, p.381.

ابراهیم از حران با فرمان و وعده الهی نقطه عطف حیات معنوی اوست.^۱ وعده‌های شش‌گانه خدا به ابراهیم که پیامدهای تاریخی بسیار پر دامنه‌ای دارد این موارد است:

- نمایاندن سرزمین،
- پدید آمدن ملتی از او، که تحقق یافت.
- «برکت یافتن» ابراهیم، که به واقعیتی در تجربه شخصی وی مبدل گردید.
- بزرگ کردن نام ابراهیم، نام او نه تنها به عنوان پدر قوم اسرائیل و عرب بلکه به عنوان نمونه عالی ایمان برای یهودیان، مسیحیان و مسلمانان بزرگ شد.
- وابسته بودن برکت و نفرین سایرین به ابراهیم، این موضوع جنبه نبوتی داشته و جایگاه بی نظیری به وی در نقشه و مشیت الهی داد؛ هم‌چنین نقش مهمی در سرنوشت او و اعقابش ایفا نمود.^۲ «آنان که تو را برکت دهند برکت داده و آنان که تو را نفرین کنند لعنت خواهم کرد» بنابراین رفتار انسان‌ها با ابراهیم و نسل او تأثیر مستقیمی بر نزول برکت و لعنت خدا بر آن‌ها می‌گذارد. نمونه‌ی چنین تأثیری ابتلای فرعون مصر به بلا، به سبب قصد ازدواج با سارای همسر ابراهیم است.

➤ برکت دادن همه امت‌های زمین از طریق ابراهیم.^۳

بدین ترتیب «الهیات وعده» به وجود می‌آید. محور اصلی وعده‌ها، اعقاب و اعطای سرزمین است.^۴ مطابق متن تورات، پس از مکاشفات و آزمون‌هایی خدا دو پیمان دیگر با ابراهیم بست:

عهد دوم: وعده‌ی دادن زمین،^۵

و عهد سوم: پیمانی مفصل است که با ابراهیم و سلاله او نسل اندر نسل منعقد می‌گردد.^۱ طی آن، نام ابرام به ابراهیم (پدر ملت‌ها) تغییر کرد. به او وعده پرشماری، پدر خیل ملت‌ها

^۱. اپستاین، ایزیدور، یهودیت: بررسی تاریخی، بهزاد سالکی، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۵، ص ۶.

^۲. (پیدایش/۱۳/۱۷).

^۳. (پیدایش/۱۲/۳-۱).

^۴. شریعت یا تورات بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، ص ۱۶۵؛ شولتز، عهدعتیق سخن می‌گوید، ص ۲۸.

^۵. (پیدایش/۱۷/۲۱-۱۷).

شدن و تملک زمین داده شد. این عهد جاودانی، با مختون شدن مردان نسل ابراهیم با آنها بسته می‌شود تا راه یهوه را نگاه داشته و دادگری و راستی به جای آورند. نام سارای به ساره تبدیل شد. خدا او را نیز برکت داد و با تولد اسحاق در اثر برکت، ساره مادر ملت‌ها شد. آخرین وعده چنین است: «ترا از برکت‌ها آکنده خواهم کرد... و از اعقابت جمله‌ی ملت‌ها برکت خواهند یافت، چرا که از من اطاعت کردی»^۲ بنابراین متن به وضوح برکت یافتن ابراهیم را پاداش اطاعت، دادگری و ایمان او می‌داند و وی الگوی رفیع یکتاپرستی و برکت برای انسان‌ها می‌شود.

کارکرد برکت در برساخت هویت یهودی در دوره‌ی ابراهیم، به جایگاه ویژه‌ی او در ارتباط با شکل‌گیری و تولد قوم برگزیده بازمی‌گردد. چرا که اطاعت و ایمان، ابراهیم را چنان مشمول برکت‌های خدا کرده که پدر خلیل ملت‌ها گشته؛ سایر امت‌ها از او برکت خواهند یافت؛ و برکت و نفرین یافتن دیگران متأثر از ارتباط ایشان با ابراهیم است. هم‌چنین متن سرچشمه هویت یهودی را به برکت یافتن دو والد اولیه آن ابراهیم و ساره گره می‌زند. این موضوع نمایان‌گر لطف و اراده خاص الهی و زمینه‌ای برای داشتن رابطه و حمایت ویژه خدا، و مقدس شمردن هویت قوم یهود برای باورمندان به تورات فراهم می‌آورد.

در متن برکت خاص خدا و مشایخ به یکی از فرزندان‌شان (رئیس و شیخ بعدی) اهمیت ویژه‌ای دارد. این برکت در واقع نوعی سعادت و ویژگی معنوی را منتقل می‌کند که موجب ریاست و تشخیص نسبت به سایرین شده، محتوایی معنوی داشته و مربوط به رهبری و سرنوشت قوم می‌شود. در برکت آباء یهود، جنبه‌های نبوی مشهود است. گاهی یکی از جنبه‌های برکت آباء، ظرفیتی است که خدا به آنها در مکاشفه‌ها، برای اطمینان از تحقق وعده‌ی پرشماری و ملت بزرگ شدن می‌دهد.^۳ پس از ابراهیم، اسحاق (ع) برکت یافت که وعده‌ی برکت، حمایت، پرشماری و دادن سرزمین به فرزندش یعقوب و ذریه‌اش را دریافت کرد.

یعقوب (ع) با دو رفتار بحث‌انگیز به عنوان وارث عهد الهی، در صحنه رویدادهای کتاب پیدایش ظاهر می‌گردد. متن چنین روایت می‌کند که او در معامله‌ای با برادر دوقلویش

^۱. (پیدایش/۱/۱۷-۲۱).

^۲. (پیدایش/۱۷/۲۲-۱۸).

^۳. Mowley, "The Concept and Content 'Blessing' in the Old Testament", p.76.

عیسو، به بهای ارزان کاسه‌ای آش، حق نخست‌زادگی را از او گرفت. بعلاوه با فریب‌کاری، برکت عیسو از اسحاق را نیز به چنگ آورد. در این برکت، تاکید بر مقام رهبری بیش از برکات مادی است.^۱ تورات با نسبت دادن این اتفاق به مقدرات الهی، توجیهی برای سروری یعقوب بر عیسو ارائه می‌کند!^۲

از اظهار ناتوانی اسحاق به عیسو در قبال درخواست برکت نمایان می‌شود که عبارت برکت تنها تشریفات یا به کارگیری بی‌اثر کلمات نیست. بلکه جاری شدن آن دلالت بر اثر یا قدرتی واقعی می‌کند که از کلام گوینده برمی‌خیزد. کلامی که تلفظ شد برگشت‌ناپذیر بوده و دیگر تحت کنترل گوینده نیست. اسحاق که به اشتباه، یعقوب را متبرک کرده دیگر نمی‌تواند در آن تغییری بدهد و تنها می‌تواند برکت کمتری به عیسو بدهد.^۳ برکت کلامی محقق، غیرقابل تغییر و بازگشت است. با این حال اثر و چیزی از نیروی اشخاص درگیر در آن وجود دارد.^۴

برکت و وعده یعقوب شامل پرشماری، رفاه مادی، سروری بر خاندان، گرفتن سرزمین، برکت یافتن جمله قبایل از او و اعقابش، و حمایت خداست. هم‌چنین جنبه نبوتی دارد: «نفرین بر آن‌که تو را نفرین و برکت بر آن‌که تو را برکت دهد.»^۵ او در تجربه اسرارآمیز گُشتی شبانه نیز، به اصرار برکت دیگری دریافت کرده و نامش به اسرائیل تبدیل می‌شود. خدا در بیت‌ئیل با یعقوب تجدید عهد نمود و به او برای پرشمار شدن، پدید آمدن ملت‌ها از او، گرفتن زمین و وجود پادشاه از نسلش اطمینان می‌بخشد.^۶ دوازده پسر وی نیاکان اسباط بنی اسرائیل خواهند بود. برکت‌های این بخش متن، از آن روی فرایندهایی هویت‌ساز هستند که با جلب حمایت و لطف الهی بیشتر، عامل مشخص و تمایز شدن و برتری یعقوب و فرزندانش یعنی قوم برگزیده، از سایرین خواهند بود. حتی در نام اسرائیل نیز ردی از برکت دیده می‌شود.

^۱. شولتز، عهدعتیق سخن می‌گوید، ص ۳۰.

^۲. (پیدایش/۲۵/۲۳).

^۳. (پیدایش/۲۷/۳۷).

^۴. Rotenberry, "Blessing in the Old Testament: A Study of Genesis 23:3", p.35; Jr., Nowack, "Blessing and Cursing", p.243.

^۵. (پیدایش/۱۳-۱۵/۲۸-۲۷).

^۶. (پیدایش/۱۱-۱۲/۳۵).

آمدن بنی اسرائیل به مصر نزد یوسف(ع) و ساکن شدن در آن‌جا، زمینه‌ساز تولد قوم برگزیده است.^۱ در مصر، اسرائیل دو فرزند یوسف، منسی و افرائیم را با وجود داشتن مادری مصری به فرزندخواندگی پذیرفت و برکت داد. نخست‌زادگی در فرهنگ این دوره اهمیت دارد اما برکت الهی محدود به نخست‌زادگان نیست. از مقدم داشتن عاملدانه افرائیم(فرزند کوچکتر) برمی‌آید که انتقال برکت مستلزم گفتار و عمل انسان است.^۲ بدین ترتیب با این برکت، آن‌ها پدران دو سبط از اسباط می‌شوند و بعدها سبط افرائیم از منسی پیشی می‌گیرد.^۳ این برکت‌بخشی یعقوب، فرایندی هویت‌ساز است که با افزودن دو خاندان افرائیم و منسی به فرزندان بنی اسرائیل، مرزهای قوم را بازتعریف کرده و محدوده‌ی اسباط و خاندان‌های یهود را مشخص می‌کند. بدین سان قومیت یهود با عنصر فرزند اسرائیل بودن، معین می‌شود. از آن‌جا که قومیت عنصری مبنایی و جدایی‌ناپذیر از یهودیت است و یهودیت را بدون آن نمی‌توان تصور کرد تعیین چارچوب آن بسیار مهم است. چنان‌که دیدیم برکت‌بخشی عاملی تاثیرگذار و قابل توجه در تعیین چارچوب قومیت برای یهودیان بوده است.

سفر خروج^۴

چهار سفر بعدی با فاصله بیش از ۴۰۰ سال، چگونگی تبدیل شدن خیل بردگان بنی اسرائیل، تحت رهبری موسی به قومی مستقل، سازمان‌یافته و دارای هویت مشخص را روایت می‌کنند. عناصر و عوامل برجسته‌ی موثر در برساخت هویت یهودی در این دوره با دوره‌ی مشایخ تفاوت‌هایی دارد و مرحله‌ی جدیدی در شکل‌گیری یهودیت است. عوامل هویت‌ساز مهم در دوره پیشین؛ عهد، وعده و برکت‌بخشی حول مشایخ بود اما در دوره موسی؛ مداخله‌ی خدا، نبوت، عهد، وعده و برکت حول محور سرنوشت قوم، اهمیت می‌یابد. عهد و وعده‌ی خدا متعلق به بنی اسرائیل است نه فرزندان موسی. این عوامل، عناصر جدیدی را به فضای دینی، فرهنگی و اجتماعی بنی اسرائیل اضافه می‌کنند که در

^۱ شریعت یا تورات بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، ص ۲۴۸؛ (پیدایش/۲۷/۴۷).

^۲ Mowley, "The Concept and Content 'Blessing' in the Old Testament", p.76.

^۳ (پیدایش/۱۷/۴۸-۱۹).

^۴ (شیموت/۱۷/۴۸).

هویت آن‌ها نقش بارزی خواهند داشت. برخی از این عناصری نظیر شریعت و نهاد دینی کهانت، ارتباط مستقیمی با برکت‌بخشی به قوم دارند. در ادامه به برخی جنبه‌های این موضوع می‌پردازیم.

سفر خروج الهیات بنیادین یهودیت را مطرح می‌کند. خداوند خروج، خدای تاریخ است که تمامی رویدادها و اتفاقاتی که مربوط به سرنوشت قوم است تحت قدرت و طرح اوست. او عهد خویش با آباء را یادآور شد و بنی اسرائیل را نجات داد. رهایی از مصر؛ منتهی به عهد، وقف خدا، مقدس شدن و سکونت خدا در میان قوم و برکت یافتن آن‌ها شد.^۱

مداخلات خدا در قالب تعلیمات و فرامین‌اش به موسی، نشانه‌های موسی و معجزات پیاپی که نمایانگر قدرت، عزم و حمایت خدا بود، بنی اسرائیل را متوجه دخالت الهی در سرنوشت‌شان کرد.^۲ خروج از مصر رخدادی مهم در تاریخ یهودیت، و تحولی برسازنده برای هویت آن است. از تحولات مهمی که با برساخت هویت یهود ارتباط تنگاتنگی دارد پررنگ شدن مفهوم «قوم خدا» و «برگزیدگی» در پیوند با «نخست‌زاده‌گی»^۳ است. «فرعون را بگو: یهوه چنین می‌گوید: پسرِ نخست‌زاده من (قوم) اسرائیل است»^۴ این هویت‌سازی متکی بر خواست خدا برای فضیلت یافتن قوم است. بنابراین مطابق متن، خروج همراه با تعریف هویت جدید «پسرِ نخست‌زاده‌ی خدا بودن» است که دلالت بر محبت و امتیازات خاص خدا برای بنی اسرائیل دارد.

برگزیدگی، از طریق عهد الهی با تمام قوم در سینا تحقق می‌یابد. عهد سینا، پیمانی اختیاری و مشروط بود که در صورت رعایت آن، بنی اسرائیل به قوم مقدس برای خدا تبدیل می‌شد. «اگر بر آوای من گوش سپارید و عهد مرا نگاه‌دارید، از میان جمله‌ی اقوام، شما را مایملک خاص خویش خواهم شمرد... شما را مملکت کاهنان و ملت مقدس خواهم شمرد»^۵ برگزیدگی در اسفار، حاکی از ارتباطی متوازن و هماهنگی کامل میان خدا و اسرائیل است. مفهوم برگزیدگی ناظر به سازگاری متقابل میان قوم با خداست، قوم خاصِ بردگان

^۱. دایرة المعارف کتاب مقدس، ص ۱۳۵-۱۳۶.

^۲. شولتز، عهدعتیق سخن می‌گوید، ص ۴۰.

^۳. primogeniture, first-born

^۴. (خروج/۲۱-۲۳).

^۵. (خروج/۱۹-۶).

آزادشده، که هویت‌شان توسط تجربه نجات و خدایی که در آن انکشاف یافته تعریف می‌شود. این هماهنگی متقابل میان قوم و خدای ایشان تأثیری فوری بر متمایز و جدا کردن آن‌ها از سایرین داشت و مرز با دیگری را تعریف کرد. چنین مطابقتی، در قالب عهد بیان شده است. برگزیدگی با محوریت انتخاب شدن توسط خدا، مشخصه اساسی هویت جدید است.^۱ ایده‌ی مردم برگزیده در مورد یهودیان بیان می‌دارد که خداوند آن‌ها را به عنوان قوم خاص خود برگزیده است تا فقط او را پرستش کنند و رسالت اعلام حقیقت او را در میان همه ملت‌های جهان انجام دهند. این ایده مضمونی تکراری در مراسم مقدس یهودیان است. اصطلاح افراد برگزیده ترجمه‌ای آزاد از این اصطلاحات کتاب مقدس است: (am segullah) «مردم گنج» و (am nahallah) «مردم میراث».^۲ بدین ترتیب جایگاه بنی اسرائیل به عنوان یک هویت برگزیده مشخص می‌شود.

در ابتدا بنی اسرائیل خواست و اراده‌ای برای چنین اجتماع و هویتی ندارد؛ گاه به موسی گوش نمی‌سپزند، اعتراض کرده، و حتی رهایی از مصر را تمهیدی برای هلاکت خویش برمی‌شمردند.^۳ با این حال خدا و موسی هم‌چنان درصدد رساندن آن‌ها به موقعیت قوم خدا شدن و رسیدن به سرزمین موعود هستند. شاید در اثر رفتار ناشایست و نافرمانی‌های بنی اسرائیل در آزمون‌هاست که عهد با آن‌ها به صورت مشروط است.^۴

در خروج شاهد اقدامات متعددی برای شکل‌دهی و برساخت هویت و سپهر دینی، فرهنگی و اجتماعی جدید قوم هستیم، مثل تغییر مبدا سال و ماه اول.^۵ اما مهم‌ترین اقدام را باید تعلیم شریعت و آیین‌ها دانست که با تشریح اعیاد فصیح و فطیر آغاز می‌شود. متن، فطیر را با مرگ نخست‌زادگان مصری و فصیح را با خروج از مصر پیوند می‌زند. با تشریح آیین‌ها و احکام همیشگی (واجب) در تورات، اولاً شرایع و مناسک آینده قوم وضع و مشخص شده، و ثانياً آیندگان با تاریخ اولیه قوم و محبت خدا به آن ارتباط یافته و در تجربه خروج،

^۱ . Atlan, Henri, "Chosen People", *20th Century Jewish Religious Thought*, Cohen, Mendes-Flohr, Philadelphia, JPS, 2009, pp.55-59, p.55,56.

^۲ The editors of Encyclopedia Britannica, "Esraelite", *Encyclopedia Britannica*, <https://www.britannica.com/topic/Israelite%3E>.

^۳ (خروج/۹/۶)(۱۲-۱۱/۱۴)(۳-۲/۱۶).

^۴ (خروج/۲۶/۱۵).

^۵ (خروج/۲-۱/۱۲).

نجات و سرگذشت بنی اسرائیل سهیم می‌شوند. این امر در پیوستگی هویت دینی و اجتماع یهودیان در طی تاریخ بسیار موثر بوده است. تورات بر حفظ و انتقال شرایع و منشاء آن‌ها به آیندگان تاکید دارد.^۱

اعطای ده فرمان، به مثابه منشور هویت‌ساز یهودیت باعث جداسازی یهودیان از سایر اقوام؛ و در ضمن سبب شباهت، همسویی و نزدیکی افراد قوم با یکدیگر است. یکتاپرستی مهم‌ترین عامل این جدایی از اقوام مجاور بود. با ده فرمان روند هویت‌سازی قوم از طریق ابلاغ دستورات اخلاقی و دینی لازم برای زندگی مقدس کامل شد. سرشت قومی و نژادی این قوانین و مناسک عبادی، قوم را از اقوام اطراف متمایز می‌گرداند.^۲ از آن‌جا که فرهنگ یهودی عمیقاً مبتنی بر متن است حتی امروزه شریعت و جشن‌های یهودی توجهات را به وقایع خروج و شکل‌گرفتن جمع نابسامان بردگان به صورت یک قوم و سرزمین موعود معطوف می‌کند.^۳ این آیین‌ها در ارتباط تاریخی با رویداد سرنوشت‌ساز خروج، مفهوم دینی تازه‌ای می‌یابند: مبین نجاتی می‌شوند که خدا برای قوم به ارمغان آورده است.^۴

گرچه نمی‌توان دلیل وضع احکام را صرفاً ایجاد تمایز و هویت‌سازی دانست اما چنین احکامی از این جهت که با دیگری مرز می‌سازند، کارکرد هویت‌سازی نیز دارند، مثلاً احکام پاکی و ناپاکی خوراک^۵ در دادوستد، هم‌سفرگی، روابط و تقویت حس اشتراک اجتماعی موثر بوده است و یک نشانه‌ی هویتی محسوب می‌شود. آداب، ممنوعیت یا شیوه خاص حلال شدن خوراک مرزهای مذهبی می‌سازد که با مرزبندی هویت و تعریف خود و بیگانه ارتباط دارد.^۶

برخلاف عهدهای پیشینان، ده فرمان متضمن برکت نیست. اما در پیوست آن، هنگام دستور ساخت قربانگاه آمده: «در هر مکانی که نامم را یاد کنی، نزدت خواهم آمد و تو را برکت

^۱. (خروج/۱۲-۱۶)، (خروج/۱۷/۳۳).

^۲. شولتز، عهدعتیق سخن می‌گوید، ص ۴۷.

^۳. Lange, Nicholas de, *An Introduction to Judaism*, New York, second edition, Cambridge university Press, 2002, p.28,45.

^۴. شریعت یا تورات بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، ص ۳۳۴-۳۳۵.

^۵. (خروج/۲۳/۱۹).

^۶. M. Freidenreich, David, *Foreigners and Their Food*, London, University of california press, 2011, p.4.

خواهم داد» که دلالت بر امکان ستایش خدا در هر مکان و ارتباط پرستش خدا با برکت او دارد. در انتهای پیوست ده فرمان؛ هنگام ارائه‌ی تعلیمات ورود به کنعان؛ حمایت و برکت خدا، مشروط به فرمان‌بری، گناه نکردن و یکتاپرستی قوم می‌شود. تنها با رعایت این شرط برکت شامل حال‌شان شده و از دشمنان و گرفتاری‌ها رها می‌گردند. «یهوه خدای خویش را پرستش کنید، آن‌گاه آب و نان شما را برکت خواهیم داد و بیماری را دور خواهیم ساخت...»^۱ این چنین برکت‌یافتن با رعایت شریعت پیوند داده می‌شود.

با پذیرش پیمان توسط قوم، موسی نیمی از خون قربانی را بر قربانگاه و نیم دیگر را بر ایشان پاشید. بدین‌سان او دوازده سبط را به صورت نمادین یگانه و دارای یک هویت کرد. در این پیمان به اسرائیل وعده داده شد که به شرط رعایت فرامین به سرزمین کنعان وارد خواهند شد.^۲

در موارد دیگری نیز سفر خروج به برکت اشاره کرده است:

- در پی عهدشکنی و گوساله‌پرستی قوم مجازات شدند. پسران لاوی که از فرمان دشوار تنبیه اطاعت کردند مستحق انتصاب برای خدمت به یهوه و برکت یافتن از خدا شدند. این پاداشی برای اطاعت بود.^۳
- هنگام ساخت مقدس که یکی از اقدامات مهم برای سامان‌بخشی هویت دینی بود موسی خیمه و تمامی وسایل آن را برکت داد.^۴

سفر لاویان^۵

موضوع اصلی لاویان، خدمت پرستش در خیمه (وظیفه هارون و لاویان)، شریعت، آیین‌های قربانی، قداست، سبت و یوبیل... است. برکت در این موارد آمده:

- برکت دادن قوم توسط هارون و موسی پس از تقدیس هارون به عنوان کاهن.
- ایجاد نهاد کهنات، که گام بزرگی در هویت‌سازی دینی و درونی قوم بود.

^۱. (خروج/۲۳-۲۰-۳۳).

^۲. شریعت یا تورات بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، ص ۳۷۸.

^۳. (خروج/۳۲-۲۵-۲۹).

^۴. (خروج/۳۹-۴۳).

^۵. (وَبِقَرَا) (۸۶۶).

پیش‌تر، قربانی توسط رئیس خانواده انجام می‌شد. بعد از خروج، برای نظم‌دهی به عبادت، هارون و پسرانش به عنوان کاهنان و لایوان برای کمک به آنها منصوب شدند.^۱ آیین‌های تقدیس کاهنان، توسط موسی برای هارون و پسرانش انجام پذیرفت. در انتهای مراسم تقدیس، هارون و موسی برای برکت‌دهی به قوم از خیمه‌ی میعاد بیرون آمدند. هارون دست‌ها را برآورد و قوم را برکت را داد.^۲

➤ برکت یافتن محصولات و ثمرات در سال سبت و یوبیل

قانون سال سبت و یوبیل در لایوان آمده است.^۳ سال سبت، مرتبط با سبت مقدس و کشاورزی است، هر هفت سال یک‌بار باید به زمین کشاورزی استراحت داد و از کشت، بذرافشانی و هرس دست کشید. در یوبیل به نشانه‌ی بخشش خدا و مالکیت بردگان و زندانیان بر زمین، هر ۷ یا ۵۰ سال، بردگان و اسیران آزاد، بدهی‌ها بخشوده و زمین‌ها به مالک یا وارثانش بازگردانده می‌شد. در مورد نحوه محاسبه و تعیین آغاز سال یوبیل نظرات مختلفی وجود دارد. این قانون در راستای عدالت اقتصاد و معاملات بود اما عملاً چندان اجرا نشد.^۴ «برکت خویش را حکم کردم که در سال ششم بدان سان با شما مساعدت کند که محصولاتی از برای سه سال تامین کند.»^۵ برکت‌بخشی، ضمانت الهی برای تامین مایحتاج سالی است که کشاورزی انجام نمی‌شد و نتیجه رعایت فرامین سال سبت و احتمالاً یوبیل بود. نمود آن کفایت خوراک و افزونی محصولات و ثمرات است.

➤ برکت و نفرین‌های انتهای قانون قداست

^۱ شولتز، عهدعتیق سخن می‌گوید، ص ۴۹؛ (خروج/۱/۲۸-۳۴) (لایوان/۱/۱۶۷-۳۴) (اعداد/۲۷/۲۱) (اعداد/۵/۲-۱۳)، (۱۷/۸) (تثنیه/۳۳/۸).

^۲ (لایوان/۱۰/۲۲-۲۳).

^۳ (لایوان/۱/۲۵-۷) (لایوان/۸/۲۵-۱۷).

^۴ Kim, Y., "The Jubilee: Its Reckoning and Inception Day", *Vetus Testamentum*, Brill, vol.60, 2010, pp.147-151, p.147.

^۵ (لایوان/۲۰/۲۱-۲۵).

پایان بخش قانون قداست، برکت‌ها و نفرین‌هایی است که چون عهدنامه‌های باستان در انتها قید شده است. برکت‌ها شامل باران‌های خوش موقع، فراوانی محصولات و خوراک(نان)، ایمنی و صلح، پیروزی و آسودگی از دشمنان، پرشمار شدن، روکردن و ساکن شدن خدا میان قوم است. «میان شما به سر خواهم برد و خدایتان خواهم بود و شما قوم من خواهید بود»^۱ نفرین‌ها مواردی مثل بیماری، بلایا، روی گرداندن خدا، پیروزی دشمنان و... کیفری برای نافرمانی و عهدشکنی است.

اعداد^۲

اعداد روایت ۳۸ سال سرگردانی در بیابان است که سرشماری، تعلیم قوانین، منزلگاه‌ها، نافرمانی بنی اسرائیل و... را بازگو می‌کند.

نقطه اوج عهدشکنی‌های قوم، سرپیچی برای فتح کنعان است که سبب محکومیت و سرگردانی آن‌ها شد.^۳ هنگام رسیدن بنی اسرائیل به مرزهای کنعان، نه آنان آمادگی ورود داشتند و نه سرزمین کنعان آمادگی پذیرفتن آن‌ها را داشت. گرچه تجربه خروج آن‌ها را دگرگون کرده بود اما ذهنیت دوره اسارت هم‌چنان غلبه داشت. اکثریت قوم تعلیم نیافته و از نظر روحی و ایمانی ضعیف بودند. حتی برای منافع مادی، نمی‌توانستند به عنوان امتی واحد دارای احساس مشترک، عمل کنند. و بدتر، اهمیت عهد و وعده را درک نمی‌کردند. طی چهل سال آوارگی و در میانه‌ی سختی‌های زندگی در صحرا، موسی توانست از این جمع بی‌هویت بردگان آزادشده، ملتی متحد و با انضباط بسازد و در آن‌ها صفات اخلاقی و معنوی را پروراند.^۴ این مدت توأم با سازمان‌دهی را می‌توان مرحله‌ی تازه‌ای از برساخت هویت یهودی دانست. اقداماتی نظیر سرشماری، تعیین جایگاه‌های اردوی اسباط، ترتیب حرکت و پرچم آن‌ها، شرح وظایف لایوان و وضع قوانین در راستای سازمان‌دهی قوم بود.

^۱. (لاویان/۲۶/۱۲).

^۲. (تیمیدبار/۶۶/۶۶).

^۳. دایرة المعارف کتاب مقدس، ص ۱۴۰.

^۴. ایستاین، یهودیت: بررسی تاریخی، ص ۳۱-۳۲.

موسی به کاهنان نحوه برکت دادن قوم را آموخت تا نام خدا را بر اسرائیلیان نهند و خدا آن‌ها را برکت دهد:

«یهوه تو را برکت دهد و نگه‌دارت باشد!

رویش را برایت تابنده سازد و بر تو رحمت آورد!

یهوه رخ خویش بر تو مکشوف کرده و برایت آرامش آورد!»^۱

علاوه بر نعمت‌های خداوند بر همه مردم، عطای بسیاری از نعمت‌های الهی وابسته به نوع رابطه با اوست. وجود رابطه‌ی خاص با خدا، به فرد اجازه می‌دهد که نعمت‌های ویژه‌ای را به دست آورد که غالباً به شخصی که چنین رابطه‌ای ندارد عطا نمی‌شود. مطابق اسفار، خدا چنین موهبتی را به برخی فرزندان آدم داده است. این رابطه یا میثاق خاص، نیازمند تعهد و مشارکت افراد طرف عهد است تا بتوانند کامل‌ترین نعمت‌های خداوند را دریافت کنند. برکت که بر محبت الهی استوار است، ثمره‌ی چنین رابطه‌ی خاصی است و دریافت آن وابسته به رعایت عهد و اطاعت است.^۲

تثنیه^۳

سفر تثنیه مشتمل بر خطابه‌ها، قوانین، اقدامات موسی تا وفات اوست.^۴ خطابه‌ها، گفتارهایی پیرامون عهد و مشروط بودن آن، گزینش و نافرمانی اسرائیل، اهمیت پایبندی به اجرای فرامین و لزوم توبه... هستند.

خطابه اول دو برکت قدیمی‌تر خدا را یادآور می‌شود؛ برکتی که موجب پرشماری قوم است؛ و برکت یافتن همه اعمال موسی «چرا که یهوه خدایت تو را در جمله اعمال برکت داده است».^۵

^۱. (اعداد ۲۳/۶-۲۷).

^۲. M. Pike, "‘I Will Bless The Lord at All Times’: Blessing God in the Old Testament", p.136.

^۳. (دواریم) (۵۱۶۲۵)

^۴. کتاب مقدس یهود تثنیه، سایت انجمن کلیمیان تهران.

^۵. تثنیه (۱/۹-۱۰)، (تثنیه ۷/۲).

خطابه دوم بر عهد و شریعت که جوهره‌ی محبت یهوه است، تاکید دارد. الهیات خاص تثنیه دو راه برکت و نفرین را پیش پای بنی‌اسرائیل می‌نهد:

«برکت، اگر از فرمان‌های یهوه، خدای‌تان که امروز بر شما می‌دهم اطاعت کنید. نفرین، اگر سرپیچی کنید، اگر از راهی که امروز بر شما حکم می‌کنم منحرف گردید و از خدایان دیگر که شناخته‌اید پیروی کنید.»^۱ بنابراین برکت دائمی نیست بلکه مشروط به فرمانبری قوم است. خدا بنی‌اسرائیل را از سر محبت برگزیده اما عهد و محبت‌اش را فقط برای آنانی که دوستش می‌دارند و فرمان‌هایش را اطاعت می‌کنند تا نسل‌ها نگاه می‌دارد و آنانی که دشمنش باشند را کیفر می‌دهد. اطاعت از رسوم و شریعت است که موجب برقراری عهد و محبت و برکت یافتن در سرزمین موعود می‌شود. این برکت‌بخشی سبب پرشماری، افزایش ثمره‌ی بطن و محصولات و خوراک و زاد و ولد احشام، عقیم نشدن افراد و احشام، دوری از بیماری و بلایا، و ابتلای دشمنان به بلاست.

این موضوع به صورت آیینی خاص برای ورود به سرزمین موعود تبیین شده است: هنگام ورود، گروهی از اسباط بر کوه جرزیم برای برکت و گروهی بر کوه عیبال بهر نفرین قوم می‌ایستند؛ و قوم با آمین ایشان را همراهی می‌کنند. نفرین‌هایی برای گناهان و نافرمانی از ده فرمان، بت‌پرستی، بی‌احترامی به والدین، پایمال کردن حق غریب و یتیم و بیوه و... و برکت‌هایی برای اطاعت و بودن در شهر و صحرای مبارک که شامل مبارکی ثمره‌ی محصولات، احشام، سبدها و...؛ مغلوب شدن دشمنان، فزونی در انبارها و کارهاست. هم‌چنین زمین، افراد را برکت داده؛ قوم برای خدا مقدس شده و از نعمت آکنده می‌شود؛ جمله‌ی اعمال برکت خواهد یافت و... مشخص است که تاکید بر برکات زمینی است.^۲ خطابه سوم نیز در اداه از دو راه سخن می‌گوید: راه زندگی و برکت و نیک‌بختی از طریق دوست داشتن خدا و فرمانبری او؛ و راه مرگ و نفرین با انحراف از خدا و فرامین. «پس زندگی را برگزین...»^۳

^۱. (تثنیه/۲۶-۲۹).

^۲. مک‌دونالد، ویلیام، خروج-تفسیر کتاب مقدس برای ایمان‌داران، ص ۳۰؛ (تثنیه/۱۵-۲۷)، (تثنیه/۱-۱۴).

^۳. (تثنیه/۱۵/۳۰-۲۰).

تثنيه وعده تحقق کامل برکت و خوشبختی در سرزمین موعود را می‌دهد؛ جایی که در آن خدا ساکن شده و قوم قربانی‌ها و عبادات را به جای آورده و برکت می‌یابد. «از جمله کارهای خود شادمان گردید... چرا که یهوه خدایت تو را برکت داده است»^۱

برخی قوانین تثنيه باعث محدودسازی روابط و تقویت مرز با غیریهودیان شده که کارکردی هویت‌ساز دارند، مثلاً ممنوعیت ازدواج با غیریهودی یا پاکی و ناپاکی حیوانات. این قبیل محدودیت‌ها با تبدیل شدن به هنجاری در سنت، تبدیل به نشانه‌ای از خودی یا دیگری بودن می‌شوند. در دوره اولیه تاریخ عبری درون‌همسری (ازدواج با اقوام) غالب بود و همواره ازدواج با اقوام شایسته قلمداد می‌شد.^۲ از اهداف ازدواج در یهودیت تاسیس خانه‌ای یهودی بر اساس رابطه‌ی عمیق شامل حقوق و تعهدات متقابل بود. خانواده نهادی برای قوم یهود بود که قوام و وظیفه‌ی تاریخی و دعوت ابدی قوم را تضمین می‌کرد: «یک ملت ابدی باشید»^۳ ممنوعیت ازدواج با غیر را می‌توان اقدامی برای ایجاد جامعه‌ای انحصاری در نظر گرفت. این ممنوعیت مانعی برای اختلاط فرهنگی، نژادی، مذهبی و حفاظت از اصالت این سه است.

در سفر تثنيه برخی اعمال سبب برکت‌بخشی خداست:

- پرداخت دهیک سالانه و سه‌سالانه محصولات کشاورزی و احشام به معبد و لاویان (سهم و میراث نمی‌بردند)، غریب، یتیم و بیوه‌گان شهر. «بدین سان در جمله کارهایی که دستانت انجام توانند داد، یهوه خدایت تو را برکت خواهد داد»^۴
- بخشش بدهی و عطای به تهیدستان در سال سبت
- برگزاری عید هفت‌روزه خیمه‌ها
- دادن وام بی‌بهره

^۱. (تثنيه/۱۲/۷).

^۲. Singer, Isidor and others, "Marriage", *Jewish Encyclopedia*, vol.8, p.335-340, p.336, <https://jewishencyclopedia.com>.

^۳. Dadon, Kotel, "Role of the Wife in the Jewish Marriage in Old Testament Scripture in Jewish Law and in Rabbinic Literature", *Kairos*, No.2, 2018, vol.XII, pp.128-158, p.136.

^۴. (تثنيه/۱۴/۲۲-۲۹).

➤ رها کردن دسته‌های درو شده محصولات به جامانده در کشتزار برای نیازمندان^۱ هویت‌سازی امری دوسویه و مبتنی بر ایجاد شباهت میان افراد گروه و تقویت تمایز با سایرین است. بنا بر آنچه گذشت بر اساس متن اسفار، «برکت‌بخشی» در دوره‌ی اولیه‌ی شکل‌گیری هویت یهودی که هویتی قومی-دینی است عنصری تاثیرگذاری بوده است. برکت‌بخشی که تزریق و ایجاد خجستگی، فزونی و سعادت است نتیجه رابطه‌ی صاحبان عهد الهی با خداست. گرچه متن اشاراتی به برکت در غیریهودیان دارد اما چنین القامی شود که برکت مشایخ و به واسطه‌ی آن‌ها بنی‌اسرائیل، که مبتنی بر محبت و حمایت خداست از برکت‌های سایرین متمایز و ممتاز است.

برای برساخت هویت یهودی در اسفار می‌توان دو مرحله در نظر گرفت: قبل و بعد از خروج.

در دوره اول، برکت‌بخشی منجر به مشخص شدن مرزهای قومی و نژادی می‌شود. داشتن رابطه‌ی ویژه با خدا که اساس یهودیت است، سپهر دینی و فرهنگی خاصی بر گرد مشایخ پدید می‌آورد که منتهی به شکل‌گیری قوم برگزیده می‌شود. اسباط بنی‌اسرائیل نسلی از آدم هستند که در گذر زمان توسط مواهب حاصل از برکت‌یافتن، از سایرین متمایز شده و با دریافت حمایت الهی ناشی از برکت، سرنوشت و هویت مشترکی می‌یابند. برکت‌بخشی مشایخ با سرنوشت اعقاب آن‌ها ارتباط مستقیمی دارد. بدین ترتیب محدوده‌ی مرزهای قومی و نژادی قوم یهود مشخص و تثبیت می‌شود.

پس از خروج، برکت‌بخشی با عناصر موثر در برساخت هویت یهودی ارتباط دارد. برکت در ساخت و تقویت نهاد دینی مقدس و کهنانت نقش داشته است. در ضمن از طریق امیددهی، ترغیب و پاداش قرار گرفتن برای رعایت عهد و شریعت؛ هم‌چنین ترسیم آینده‌ی روشن و پرفراز؛ در پای‌بند نگه داشتن قوم به شریعت و تداوم همراهی آن‌ها، در برساخت جنبه دینی هویت یهودی موثر بوده است. برکت‌بخشی به عنوان ضمانت اطاعت از فرامین نیز در هویت دینی یهودی نقش دارد. هم‌چنین با برکت یافتن تمامی بنی‌اسرائیل عنصر معنوی و الهی برگزیدگی قوم تقویت می‌شود. تاکید بر وجود دو راه اطاعت و برکت؛ و نافرمانی و نفرین زیربنای اندیشه دینی یهودیت را به وجود می‌آورد. در این دوره گرچه

^۱ (تثنیه/۱۱-۱/۱۵)، (تثنیه/۱۳-۱۳/۱۶)، (تثنیه/۲۰-۲۰/۲۳)، (تثنیه/۲۱-۲۱/۲۴)، (تثنیه/۱۹/۲۴).

برکت‌ها جنبه دنیایی دارند اما تحقق کامل آن‌ها در سرزمین موعود است، جایی که با مُقدس شدن برای خدا، برکت و شادمانی کامل می‌شود. بالاترین حد تحقق برکت حضور و سکونت خدا میان قوم خویش و برکت یافتن سایر اقوام است. برکت یافتن تمامی افراد قوم، و بهره‌مند شدن آن‌ها از رابطه و مواهب ویژه‌ی الهی یکی از عوامل شبیه شدن و پیوند و برساخت هویت قومی و دینی یهودیان است.

با توجه به مطالب اسفار می‌توان نتیجه گرفت که نسل یهودیان برای تبدیل شدن به یک قوم با هویت مشخص، همواره از برکت ناشی از عهد الهی تاثیر پذیرفته است. تخصیص برکت‌ها به ایشان در طی زمان، موجب متمایز شدن و فضیلت یافتن آن‌ها شده است و بدین ترتیب در شکل‌گیری هویت یهودی نقش ایفا کرده است.

منابع

- شریعت یا تورات بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، پیروز سیار، تهران، هرمس، ۱۳۹۴.
- الطائی، علی، بحران هویت قومی در ایران، تهران، شایگان، ۱۳۸۲.
- اپستاین، ایزیدور، یهودیت: بررسی تاریخی، بهزاد سالکی، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۵.
- جنکینز، ریچارد، هویت اجتماعی، تورج یارمحمدی، تهران، شیرازه، ۱۳۸۱.
- شولتز، ساموئل، عهدعتیق سخن می‌گوید، مهرداد فاتحی.
- کتاب مقدس یهود تَنخ، سایت انجمن کلیمیان تهران،
<http://www.iranjewish.com/home.asp>
- گندمی، رضا، "اندیشه قوم برگزیده در یهودیت"، هفت آسمان، سال ۷، شماره ۲۶.
- دایرة المعارف کتاب مقدس، بهرام محمدیان و دیگران، تهران، سرخدار، ۱۳۸۱.
- مک‌دونالد، ویلیام، خروج - تفسیر کتاب مقدس برای ایمان‌داران.

- Assavavirulhakarn, Prapod, "Blessing", *Encyclopedia of religion*, London, Thomson Gale, 2005, vol.2, pp. 979-985.
- Atlan, Henri, "Chosen People", *20th Century Jewish Religious Thought*, Cohen, Mendes-Flohr, Philadelphia, JPS, 2009, pp.55-59.
- "Blessing", *The Free Dictionary*, thefreedictionary.com/blessing.
- Dadon, Kotel, "Role of the Wife in the Jewish Marriage in Old Testament Scripture in Jewish Law and in Rabbinic Literature", *Kairos*, vol.XII, No.2, 2018, pp.128-158, <https://doi.org/10.32862/k.12.2.2>.
- The editors of Encyclopedia Britanica, "Esraelite", *Encyclopedia Britanica*, <https://www.britannica.com/topic/Israelite%3E>.
- Jr., Morris Jastrow, Nowack, Wilhelm, "Blessing and Cursing", *Jewish Encyclopedia*, vol.3, pp.243-244, <https://jewishencyclopedia.com>.
- Karesh, Sara E., Hurvitz, Mitchell M., "Jewish Identity", *Encyclopedia of Judaism*, J. Gordon Melton(ed.), New York, Facts on File, 2006, pp.251-252.
- Karesh, Sara E., Hurvitz, Mitchell M., "Peoplehood", *Encyclopedia of Judaism*, J. Gordon Melton(ed.), New York, Facts on File, 2006, pp.384-385.
- Karesh, Sara E., Hurvitz, Mitchell M., "Patriarchs", *Encyclopedia of Judaism*, J. Gordon Melton(ed.), New York, Facts on File, 2006, pp.381-382.
- Karesh, Sara E., Hurvitz, Mitchell M., "Bracha", *Encyclopedia of Judaism*, J. Gordon Melton(ed.), New York, Facts on File, 2006, pp.65.
- Kohler, Kaufmann and other, "Covenant", *Jewish encyclopedia*, vol.4, pp.318-322, p.318-322, <https://jewishencyclopedia.com>.
- Kim, Y., "The Jubilee: Its Reckoning and Inception Day", *Vetus Testamentum*, Brill, vol.60, 2010, pp.147-151, <https://www.jstor.org/stable/20700053>.
- Lange, Nicholas de, *An introduction to Judaism*, New York, second edition, Cambridge University Press, 2002.
- M. Freidenreich, David, *Foreigners and Their Food*, London, University of California Press, 2011.

- M.Pike, Dana, “‘I Will Bless the Lord at All Times’: Blessing God in the Old Testament”, *Ascending the Mountain of the Lord: Temple Praise, and Worship in the Old Testament*, Seely, Chadwick, Grey, Salt Lake City, Sperry Symposium, 2013, pp.136-155.
- Mowvley, H., “The Concept and Content ‘Blessing’ in the Old Testament”, *The Bible Translator*, 1965, No.2, vol.16, pp.74–80.
- Rotenberry, Paul, “Blessing in the Old Testament: A Study of Genesis 23:3”, *Restoration Quarterly (Studies in Christian Scholarship)*, vol.2, 1958, pp.32-36.
- Singer, Isidor and others, “Marriage”, *Jewish Encyclopedia*, vol.8, p.335-340.
- <https://jewishencyclopedia.com>.